



Conceptualization and Requirements of explanation Jihad in the Quran with Emphasis on the Importance of explanation Jihad in Countering the Cognitive Warfare of the Enemies of the Islamic Revolution

Mahdi Besharat

Assistant Professor Department of Islamic Education, Faculty of Humanities, Semnan University, Iran.

mahdi.besharat@semnan.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Abstract

In recent years, the enemies of the Islamic Revolution have strategically focused on cognitive warfare within the framework of soft war, attempting to distort truths and present false and misleading narratives about the essence of the Islamic Revolution and its achievements. Their goal is to alter the beliefs, culture, and ethics of the people, thereby creating a rift between them and the Islamic Revolution. In such circumstances, as articulated by Ayatollah Khamenei, only through a grand explanation Jihad can this complex conspiracy be overcome, and the sinister plans of the enemies be rendered ineffective. Therefore, this article, considering the importance of this issue in the present era, seeks to explore the authentic religious concept of explanation Jihad and its requirements by referring to the Holy Quran.

The main question of the article is: "Based on the verses of the Holy Quran, what is the concept of explanation Jihad, and what are its requirements?" To answer this question, a library-based method was used to gather information, and the collected data were analyzed using a descriptive-analytical approach. Based on the results, cognitive warfare, by militarizing the mind as a battlefield, seeks to change the thinking and, consequently, the behavior of the target society in line with the interests of the hostile country. Today, it is used as part of the hybrid warfare of the hegemonic system against the Islamic Revolution. The way to counter the enemy's cognitive warfare is through the explanation Jihad. According to Quranic concepts, explanation Jihad is defined as the effort and struggle to enlighten and promote truths and realities in the face of the enemies' attempts to conceal and distort them. The requirements of explanation Jihad in the Quran include: knowledge and awareness, speaking strongly and with evidence, speaking fairly, adapting to the audience's language, using soft and gentle speech, humility and politeness in speech and behavior, appropriate conduct and rational dialogue, eloquence in speech, diversity in expression, and adapting the method of clarification to the type of audience.

Keywords: Cognitive Warfare, Narrative Warfare, explanation Jihad, Quran.



مقاله پژوهشی

مفهوم‌شناسی و الزامات جهاد تبیین در قرآن با تأکید بر اهمیت جهاد تبیین در برابر جنگ شناختی دشمنان انقلاب اسلامی

مهدی بشارت

استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، ایران.
mahdi.besharat@semnan.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

در سال‌های اخیر، دشمنان انقلاب اسلامی با تمرکز راهبردی بر جنگ شناختی در بستر جنگ نرم، تلاش کرده‌اند با تحریف حقایق و ارائه روایت غلط و مخدوش از اصل انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن به تغییر اعتقادات، فرهنگ و اخلاقیات مردم پرداخته و زمینه جداسازی آن‌ها از انقلاب و نظام اسلامی را فراهم نمایند. در چنین شرایطی به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای تنها با یک جهاد عظیم تبیینی می‌توان به این توطئه پیچیده غلبه کرد و نقشه‌های شوم دشمنان و بدخواهان را بی‌اثر نمود. از این‌رو مقاله حاضر با توجه به اهمیت این مسئله در عصر حاضر به دنبال آن است تا با مراجعه به قرآن کریم به مفهوم‌شناسی اصیل دینی از «جهاد تبیین» و الزامات آن بپردازد. سؤال اصلی مقاله آن است که «بر اساس آیات قرآن کریم مفهوم جهاد تبیین چیست و چه الزاماتی دارد؟» برای پاسخ به این سؤال با روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتایج حاصله جنگ شناختی با نظامی‌سازی ذهن به‌عنوان میدان نبرد به دنبال تغییر در تفکر و به دنبال آن تغییر در رفتار جامعه هدف در مسیر منافع کشور متخاصم می‌باشد که امروزه به‌عنوان بخشی از جنگ هیبریدی نظام سلطه در مقابل انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. راه مقابله با جنگ شناختی دشمن جهاد روایت و جهاد تبیین است. جهاد تبیین بر اساس مفاهیم قرآنی عبارت است از «تلاش و مبارزه برای روشنگری به جهت ترویج حقایق و واقعیت‌ها در برابر سعی دشمنان برای کتمان و تحریف آن‌ها». الزامات جهاد تبیین در قرآن هم عبارت‌اند از: علم و آگاهی، قوی و مستند سخن گفتن، منصفانه سخن گفتن، تناسب با زبان مخاطب، گفتار نرم و ملاطفت‌آمیز، فروتنی و ادب در گفتار و برخورد، برخورد شایسته و گفت‌وگوی عقلانی، بلاغت در گفتار، تنوع بیانی، تناسب روش تبیین با نوع مخاطب.

واژگان اصلی: جنگ شناختی، جنگ روایت‌ها، جهاد تبیین، قرآن.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.476215.1061

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، نظام سلطه با هدف نابودی نظام مردم‌سالاری دینی برآمده از این انقلاب مردمی به صورت‌های مختلف به دشمنی و کینه‌ورزی با ملت ایران پرداخته است. جنگ سخت، نیمه سخت و سپس جنگ نرم از جمله تلاش‌های آن‌ها در مقابل ملت ایران بوده است. نظام سلطه در سال‌های اخیر بعد از تحمل شکست‌های پی در پی در اجرای طرح‌های مختلف براندازی، اقدام به طراحی شبکه هوشمندی از جنگ ترکیبی با به‌کارگیری ابزارهای نوین و متنوع کرده است. این جنگ علاوه بر آن‌که تک‌تک مؤلفه‌های آن به‌صورت مستقل بخشی از توانایی کشور و انقلاب را مورد هدف داده، در پی آن است تا با اشاعه وضعیت فشار هم‌افزا و آشوب و استفاده روشمند از شبکه‌های اجتماعی بتواند به تأثیرات شناختی منجر شود. در واقع می‌توان گفت جنگ شناختی هسته مرکزی جنگ ترکیبی علیه انقلاب اسلامی است. در جنگ شناختی، شبکه‌های اجتماعی یک سلاح مهم در نبرد ذهنی هستند، به‌ویژه در سال‌های اخیر به مدد گسترش ضریب نفوذ اینترنت و فضای مجازی، این رسانه‌ها نقش بسیار پر رنگی در غلبه روایت نظام سلطه بر شناخت جامعه ایران ایفا می‌نمایند. در همین خصوص آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند برای تصویرسازی غلط از وضعیت کشور «توپخانه رسانه‌ای» دشمن با تمام قوا فعال است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶). اهداف اصلی دشمنان ملت ایران در این جنگ از بین بردن اعتماد جامعه نسبت به حاکمیت، ناامیدسازی مردم نسبت به آینده، ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی، از بین بردن مشروعیت نظام سیاسی، نابود کردن سرمایه‌های اجتماعی و نیروهای کاری جامعه است. در مقابل این تلاش‌ها، آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که باید «جهاد روایت» و «جهاد تبیین» به راه انداخت. ایشان با اشاره به زندگی حضرت زینب^(س) می‌فرمایند: «نکته مهم دیگر در زندگی این بزرگوار این است که این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند.» ایشان این حرکت حضرت زینب^(س) را درسی برای امروز می‌دانند و از جوانان می‌خواهند حقایق جامعه، کشور و انقلاب را آن‌ها روایت کنند. ایشان با تأکید بر ارائه «روایت درست حوادث» در مقابل مجموعه امپراتوری رسانه‌ای غرب که حقایق را کتمان می‌نمایند، «جهاد تبیین» را به‌عنوان یک فریضه مطرح می‌نمایند؛ «جهاد تبیین یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری است و هرکسی که می‌تواند [باید اقدام کند]» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).

بر این اساس با توجه به اهمیت جهاد تبیین در مقابل جنگ شناختی دشمن و به‌منظور ارائه چهارچوبی مستحکم برای امر تبیین، این مقاله ضمن تبیین مفهوم جنگ شناختی، به مفهوم شناسی و بیان الزامات جهاد تبیین در قرآن کریم می‌پردازد. سؤال اصلی مقاله آن است که «بر اساس آیات قرآن کریم، مفهوم جهاد تبیین چیست و چه الزاماتی دارد؟» برای پاسخ به این سؤال با روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد کتاب‌ها و مقالات متعددی در سال‌های اخیر در مورد جهاد تبیین نوشته شده است، از جمله مقالات علمی نگاشته شده مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به مقاله «الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تکیه بر نقش روحانیت» زهرا سادات نجم‌آبادی، مقاله «الگوی مفهومی جهاد تبیین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» ندا کاوند، مقاله «جهاد تبیین و مبانی فقهی و حقوقی آن»، مصطفی رجایی و مقاله «مبانی جهاد تبیین و ملزومات آن از منظر فقه» مهدی درگاهی اشاره کرد که هیچ‌کدام از منظر قرآنی به مفهوم شناسی و استخراج الزامات جهاد تبیین نپرداخته‌اند.

۱. جنگ شناختی

قرن بیست و یکم با پیشرفت‌های فناورانه بی‌سابقه و تصاعدی مشخص شده است. این پیشرفت‌ها روش‌هایی را که دولت‌ها از طریق آن‌ها دیگران را تحت فشار قرار می‌دهند، براندازی می‌کنند و جنگ‌افروزی می‌نمایند، تغییر داده است. در این قرن به نظر می‌رسد که اصل عدم جنگ با احساسی فراگیر از «عدم صلح» و «عدم جنگ» جایگزین شده است. در معنای کلاسیک، جنگ معمولاً به‌عنوان محیط‌های عملیاتی مختلف که در آن عملیات نظامی انجام می‌شود، تعریف می‌شود. به‌طور سنتی فضاهایی که در آن تماس با دشمن رخ می‌دهد، زمین، دریا، هوا، فضا و اخیراً فضای سایبری تعریف شده است (McGuffin, 2014). در دهه‌های اخیر، پیشرفت در حوزه‌های هوش مصنوعی^۱، علوم شناختی^۲، فناوری‌های عصبی^۳ و سایر زمینه‌های مرتبط، منجر به امکان نظامی‌سازی ذهن به‌عنوان میدان نبرد آینده و ظهور حوزه

^۱. Artificial intelligence

^۲. Cognitive Sciences

^۳. Neurotechnologies

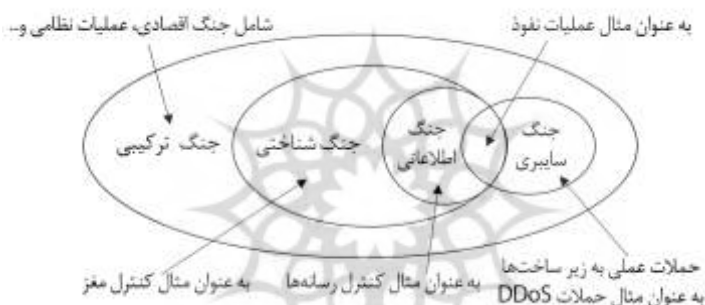
شناختی به عنوان ششمین حوزه جنگ شده است (Rickli, 2023,3). شناخت به عنوان «فرایند ذهنی کسب و درک دانش که متضمن مصرف، تفسیر و درک اطلاعات است» تعریف می‌شود (Ottewell, 2020). در نتیجه، حوزه شناختی شامل حوزه‌ای است «متشکل از ادراک و استدلال که در آن با بهره‌برداری از محیط اطلاعاتی، باورها، ارزش‌ها و فرهنگ به هم پیوسته افراد، گروه‌ها و یا جمعیت‌ها حاصل می‌آید». بر این اساس جنگ شناختی «تلاش‌هایی در حوزه شناختی برای ایجاد یک ادراک از پیش تعیین شده در بین مخاطبان هدف به منظور کسب مزیت نسبت به طرف دیگر» تعریف می‌شود.

در واقع جنگ شناختی یک استراتژی است که بر تغییر نحوه تفکر جمعیت هدف و از طریق آن بر تغییر نحوه رفتار آن‌ها تمرکز دارد (Backes & Swab, 2019,8). برنال و همکاران جنگ شناختی را تسلیحاتی شدن افکار عمومی توسط یک نهاد خارجی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست عمومی و دولتی و همچنین بی‌ثبات کردن نهادهای عمومی تعریف می‌نمایند (Bernal et al, 2020, 10). جنگ شناختی توانسته است کانال‌های جدید ارتباط عمومی مانند رسانه‌های اجتماعی را که مردم به طور فزاینده‌ای به آن‌ها وابسته شده‌اند تحت کنترل خود درآورد و با تکیه بر پروپاگاندا تمرکز بسیار قوی بر ایجاد تفرقه و تضعیف همکاری در جمعیت هدف خود با تأکید بر تفاوت‌های موجود و ایجاد دو قطبی در جامعه دارد (Miller, 2023). در مجموع باید گفت جنگ شناختی به دنبال ایجاد تغییر در سیاست جامعه هدف، از طریق فرایند شناختی، به نفع دولت مهاجم (بازیگر غیردولتی) است. در نتیجه، هدف جنگ شناختی احتمالاً مشابه سایر حوزه‌های جنگی، تحمیل اراده بر دولت دیگر است. جنگ شناختی خطوط بین اهداف غیرنظامی و نظامی را محو می‌کند و اعمال قدرت را از حوزه فیزیکی به حوزه مجازی تغییر می‌دهد (Björgul, 2021). نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آن است که بتوانیم جنگ شناختی را از مقوله‌هایی مانند جنگ اطلاعاتی^۱ و جنگ سایبری^۲ تشخیص دهیم. جنگ سایبری عمدتاً حمله به زیرساخت‌های مجازی یک کشور با هدف ضربه زدن و یا سرقت اطلاعات است، امنیت شبکه یک مسئله حیاتی در این زمینه است. جنگ اطلاعاتی بر کنترل جریان اطلاعات تمرکز دارد و بر ارائه اطلاعات نادرست در رابطه با موضوعات خاص از طریق رسانه‌های اجتماعی تمرکز دارد. این در حالی است که در جنگ

1. Information warfare

2. Cyberwarfare

شناختی هدف، کنترل پاسخ اهداف، به اطلاعات ارائه شده است؛ یعنی جنگ شناختی تنها بر ورودی (جریان اطلاعات) به تنهایی تمرکز نمی‌کند، بلکه بر سیستم شناختی و خروجی آن (رفتارها) نیز تمرکز می‌نماید و تحلیل آن بر خلاف تحلیل‌های سطح شخصی و بین فردی در جنگ اطلاعاتی، شامل تحلیل عصب‌شناسی در سطح زیر شخصی نیز می‌شود (Hung, 2022). جنگ شناختی با ادغام ابزارهای دیگر (دیپلماسی، تحریم اقتصادی و عملیات نظامی) تبدیل به جنگ هیبریدی می‌شود. جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی، جنگ شناختی و جنگ هیبریدی همگی ممکن است بر شناخت انسان تأثیر بگذارند، اما تنها جنگ شناختی به‌طور خاص به کنترل مغز با به‌کارگیری علوم شناختی و فناوری‌های عصبی می‌پردازد (Hung, 2022). ارتباط بین این مفاهیم در شکل زیر نشان داده شده است.



ابزار و سلاح استراتژیک جنگ شناختی روایت^۱ است. تا جایی که برخی از کارشناسان استدلال می‌کنند که جنگ روایتی زیر مجموعه‌ای از جنگ شناختی است، یا اینکه آن‌ها دو روی یک سکه هستند (Rădulescu, 2023). محقق آمریکایی، آجیت مان، معتقد است که از آنجایی که نبردهای مدرن معمولاً در رقابت‌های نفوذ انجام می‌شوند، طرفی که بهترین اطلاعات یا دقت را داشته باشد همیشه برتر نخواهد بود. آن‌هایی که به‌طور مؤثر اهمیت اطلاعات و چگونگی تأثیر آن بر مخاطب را منتقل می‌کنند، موفق خواهند شد. تئوری او در مورد جنگ روایی تأکید زیادی بر تلاش‌های آنلاین و رسانه‌های اجتماعی دارد که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن منفی مخاطبان مخالف است. به گفته آجیت مان، داستان‌سرایی برای انسان «به اندازه نفس کشیدن» طبیعی است. وی معتقد است، انسان‌ها «حیوانات جویای معنا»

^۱. Narrative

هستند که در درجه اول از روایت برای خلق معنا استفاده می‌کنند. «روایت این است که چگونه معنا تولید می‌کنیم، ارتباط برقرار می‌کنیم و گه‌گاه درباره آن مذاکره می‌کنیم. بدون روایت، زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای عظیم و ازهم‌گسیخته از رویدادهای تصادفی نامرتبط تلقی می‌شود. ما از روایت‌هایی استفاده می‌کنیم که معمولاً به ارث می‌بریم تا تجربیات خود را سازماندهی، اولویت‌بندی و ترتیب دهیم. داستان‌های شخصی ما حس خودمان را شکل می‌دهند، داستان‌های قبیله‌ای و خانوادگی حس تعلق ما را شکل می‌دهند و داستان‌های ملی ما احساس تعلق ما را شکل می‌دهند» (Rădulescu, 2023, qtd.in, Maan,). هدف جنگ شناختی دور زدن این جنبه روایی هویت‌های فردی و گروهی (دولت‌ها و ملت‌ها) است. حملات شناختی می‌تواند تمام ارزش‌های بی‌اندازه‌ای را که هر کسی روایت هویتی خود را بر اساس آن‌ها بنا کرده است، از بین ببرد. یکی از اهداف جنگ شناختی القای مصنوعی فراموشی در آگاهی‌های جمعی است؛ به‌طوری که دیگر قادر به تشخیص هویت خود یا قادر به شناسایی با خودانگاره خود نباشند. این سریع‌ترین روش برای تضعیف اراده دشمن است. می‌توان گفت که جنگ شناختی در واقع ساختن یک داستان منسجم (بعد روایی) است که ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف خاصی را «خوب» و برخی دیگر را «بد» معرفی می‌کند. این تلاشی است برای تحمیل یک جهان‌بینی خاص و متقاعد کردن مردم که این جهان‌بینی «درست» است (Rădulescu, 2023). در سال‌های اخیر، نظام سلطه با به‌کارگیری ابزارهای مختلف در پی آن است تا با ایجاد جنگ ترکیبی شناخت مبنای ملت ایران با افزایش حس ناکامی اجتماعی و کاهش اعتماد سیاسی بین مردم به کاهش سرمایه اجتماعی حاکمیت مبادرت کند و با اعمال شوک‌های متوالی به تغییر در بافتارهای شناختی جامعه ایرانی و درنهایت کنش‌های آن بپردازند. در این مدل، تلاش کشور متخاصم می‌تواند مبتنی بر یک مفهوم ذهنی شکل بگیرد اما تأثیرات و اهداف عینی را برای خود در نظر داشته باشد و یا اینکه مبتنی بر یک رویداد بیرونی و عینی شروع شود و در پی تأثیرات ذهنی بر جامعه هدف باشد. دیالکتیک بین عین و ذهن در جنگ ترکیبی شناخت مبنای اهمیت خاصی برخوردار است. در این رابطه دو سطح عینی و ذهنی جامعه ایرانی که متشکل از مردم و مسئولان است، تحت هجوم دشمن قرار دارد (راجی و افتخاری، ۱۳۹۸: ۱۰۳). اهداف اصلی در این جنگ از بین بردن اعتماد جامعه نسبت به حاکمیت، ناامیدسازی مردم نسبت به آینده، ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی، از

بین بردن مشروعیت نظام سیاسی، نابود کردن سرمایه‌های اجتماعی و نیروهای کاری جامعه است. در این جنگ ترکیبی شناخت مبنا، شبکه‌های اجتماعی یک سلاح مهم در نبرد ذهنی هستند، به‌ویژه در سال‌های اخیر به مدد گسترش ضریب نفوذ اینترنت و فضای مجازی، این رسانه‌ها نقش بسیار پر رنگی در غلبه روایت نظام سلطه بر شناخت جامعه ایران ایفا می‌نمایند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با اشاره به سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌ای دشمن با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف رسانه‌ای می‌فرماید: «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در مقابل این تلاش دشمنان، آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند چاره کار «جهاد روایت» و «جهاد تبیین» است. بر این اساس و با توجه به اهمیت جهاد تبیین در مقابل جنگ شناختی دشمن و به‌منظور ارائه چهارچوبی مستحکم برای امر تبیین، در ادامه به مفهوم‌شناسی و بیان الزامات جهاد تبیین در قرآن خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم‌شناسی جهاد تبیین بر اساس آیات قرآن

«جهاد تبیین» مرکب از دو واژه «جهاد» و «تبیین» است، به همین منظور برای روشن‌شدن مفهوم آن ابتدا این دو واژه را بر اساس آیات قرآن مفهوم‌شناسی نموده و سپس معنای «جهاد تبیین» را بیان خواهیم کرد.

۲-۱. جهاد

۲-۱-۱. معنای جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» است. الجَّهْد و الجُّهْد یعنی طاقت، نیرو، مشقت و سختی. گفته شده جهاد با فتحه حرف (ج) یعنی مشقت و سختی و با ضمه حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاقت (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۲۳). جهاد در لغت به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹) و از آنجا که مجاهدت، مصدر باب مفاعله است، در کاربرد اصطلاحی، جهاد در تمام مواردی که به کاررفته، همواره افزون بر معنای تلاش و کوشش، به سبب باب مفاعله بودن، دربردارنده معنای رویارویی با یک طرف مقابل نیز بوده است (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۴). بر این اساس در «جهاد» معمولاً طرف دیگری هم در کار است و دو طرف در برابر هم صف‌آرایی کرده، هر یک برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می‌پردازد و هر چه در توان دارد به کار می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). شهید مطهری معتقد است جهاد حتی در تعبیر معنوی آن که جهاد با نفس است به معنی درگیری است (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۹۰)؛ بنابراین جهاد به عنوان یکی از فروع دین و از جمله ارکان عبادی اسلام به گونه‌های مختلفی از تلاش و کوشش در راه خدا اطلاق شده است، متنها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه نباشد، اسمش جهاد نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۶۰). ایشان معتقدند «آنچه امروز در قاموس فرهنگ جدید و خلاصه‌تر و محدودتر در قاموس فرهنگ انقلابی جدید، اسمش مبارزه است، جهاد، درست به معنی همین کلمه است؛ جهاد یعنی پیکار با دشمن مکتب و ایدئولوژی اسلام در یک میدان خاصی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۸).

۲-۱-۲. جهاد در قرآن

در قرآن کریم به موضوع جهاد با دو واژه قتال و جهاد اشاره شده است. «قتال» منحصرأ به برخورد نظامی دلالت می‌کند و جایی به کار می‌رود که دو یا چند نفر به قصد کشتن یکدیگر به مصاف و رویارویی با هم بپردازند؛ اما جهاد مفهومی وسیع‌تر از قتال دارد و مصداق آن منحصر در مبارزه نظامی نیست. از این رو در لغت، ما تعبیر «قتال با مال» نداریم و قتال فقط با «جان» است اما «جهاد» هم می‌تواند با جان باشد و هم با مال و هم با امور دیگر (مصباح

یزدی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). «قتال» و مشتقات آن در آیات مکی وجود ندارد و تنها در آیات مدنی آمده است اما «جهاد» و مشتقات آن در آیات مکی و مدنی آمده است. مشتقات جهاد در آیات مکی بیشتر در معنای عام و لغوی آن به کار رفته است و شامل هر تلاشی در راه خدا می‌شود ولی در آیات مدنی به معنای پرداختن و صرف نیرو برای دفع دشمن و راندن اوست و بیشتر بر مدافعه به جنگ اطلاق می‌شود و لیکن گاهی به طور مجاز توسعه داده می‌شود به طوری که شامل دفع هر چیزی که ممکن است شری به آدمی برساند می‌شود؛ مانند شیطان که آدمی را گمراه می‌سازد و نفس اماره که آن نیز آدمی را به بدی‌ها امر می‌کند و امثال این‌ها (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۸۲). بررسی آیات قرآن و تاریخ تحولات صدر اسلام حکایت از آن دارد که برای مقابله با دشمنان دو رویکرد متفاوت قابل ملاحظه است. در آیاتی از قرآن و نیز در برهه‌هایی از تاریخ، پرداختن به جنگ نظامی و قتال در راستای مقابله با دشمنان و پیشبرد دین اسلام و تعالی آن مورد توجه قرار دارد، لکن در شرایطی نیز شاهد آن هستیم که راهبردهای دیگری جهت مقابله با دشمنان اتخاذ شده است که در زیر مجموعه واژه «جهاد» از آن یاد شده است و از آن می‌توان با عنوان جهاد نرم یاد کرد. فلسفه و بنیاد جهاد نرم مشتمل بر اقداماتی است که تلاش دارد با جنگ نرم دشمن مقابله نماید. بر این اساس در قرآن کریم دو نوع جهاد، نرم و سخت مطرح گردیده است؛ که هر کدام ویژگی‌ها و شرایط مختص به خود را دارد.

۲-۱-۲-۱. جهاد سخت (قتال)

جهاد سخت در میدان جنگ نظامی با دشمن معنا پیدا می‌کند. در کتاب‌های فقهی جهاد سخت بر سه قسم تقسیم شده است: جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی و جهاد با اهل بغی. جهاد ابتدایی، به دستور امام و برای کنار زدن موانع هدایت از سر راه ولی خدا انجام می‌شود تا حکومت اسلامی بتواند اسلام را در پهنه جهان گسترش دهد و معارف الهی را به همگان عرضه کند و به این ترتیب، راه هدایت بازگردد. از این رو خداوند می‌فرماید: «فَقَاتِلُوا أُوْلَئِكَ الْكُفْرُا؛ با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ اما نوع دوم جهاد، هنگامی صورت می‌گیرد که به مسلمانان حمله شود و آنان در مقام دفاع برآیند «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا؛ به کسانی که مورد جنگ و هجوم

^۱. توبه، ۱۲

^۲. حج، ۳۹

قرار می‌گیرند، به سبب آن که به آنان ستم شده، اذن جنگ داده شده؛^۱ نوع سوم جهاد نیز زمانی مصداق می‌یابد که بین دو دسته از مسلمانان جنگ درگیرد و راهی برای اصلاح نباشد، مگر اینکه به کمک دسته‌ای که مظلوم واقع شده، بشتابند، یا حاکم اسلامی دستور دهد با کسانی که بر ضد حکومت اسلامی شوریده‌اند، جهاد کنند که این را، در اصطلاح، جهاد با اهل بغی گویند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۸۹). «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَاتِلُوا آلَتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ! و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد.»

۲-۱-۲. جهاد نرم (جهاد کبیر)

جهاد نرم در مقابل جنگ نرم دشمن معنا پیدا می‌کند. جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام نرم اعم از روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار جامعه هدف را به انفعال یا شکست و می‌دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۴). در جنگ نرم، دشمن بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، با به‌کارگیری ابزارها و روش‌های فرهنگی با نفوذ در مختصات فکری یک جامعه اراده خود را بر آن‌ها تحمیل نموده و به دنبال آن است که جامعه هدف را به تبعیت از اهداف خود وادار نماید. در مقابل این تلاش دشمن، قرآن کریم مسلمانان را به «جهاد کبیر» فرا می‌خواند: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۲؛ (بنابر این از کافران اطاعت مکن و به‌وسیله آن با آنان جهاد بزرگی بنما). یحی بن سلام تیمی در کتاب تفسیر خود، جهاد کبیر را جهاد با زبان می‌داند (تیمی، ۱۴۲۵: ۴۸۶)، مرحوم طبرسی در کتاب مجمع‌البیان منظور از جهاد کبیر را جهاد متکلمین در حل شبهات مخالفین و دشمنان دین بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۳). آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که منظور از جهاد، در این آیه، جهاد فکری و تبلیغاتی است، نه جهاد مسلحانه؛ چرا که این سوره مکی است و دستور جهاد مسلحانه در «مکه» نازل نشده بود. از نظر ایشان جهاد کبیر، جهادی است که تمام ابعاد روح و فکر مردم را در برگیرد و جنبه‌های مادی و معنوی را شامل شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۱۲۲). به نظر می‌رسد

۱. حجرات، ۹.

۲. فرقان، ۵۲.

با توجه به مکی بودن سوره فرقان، جهاد کبیر، بسته کامل و جامعی از راهکارهای غیرنظامی مقابله با دشمنان است که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیرنظامی، مصون می‌سازد؛ چرا که با عنایت به سیاق آیات مکی، عمومیت جهاد در آیه مد نظر شامل هر نوع جهاد غیر نظامی می‌شود (مروجی طبسی، ۱۳۹۹: ۳۵۶). آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین معنای جهاد کبیر بیان می‌کنند: «در بین جهادها، جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر، از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت، تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف، تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر» (خامنه‌ای، بیانات، ۹۵/۰۳/۰۳).

۲-۲. تبیین

۲-۲-۱. معنای تبیین

«تبیین» در لغت از ماده «بین» به معنای فاصله میان دو چیزی است. سپس به معنای جدایی و آشکار شدن آمده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۵۷) در لغتنامه دهخدا «تبیین» به معنای هویدا شدن، پیدا و آشکار شدن، بیان کردن و آشکارا ساختن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۶۰۸). لذا «بین» به چیزی گفته می‌شود که دلیل روشن و آشکاری است، خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است «بین» اطلاق می‌شود. به معجزات انبیا نیز «بین» گفته شده است و «بیان» به معنای پرده‌برداری از چیزی است، خواه به وسیله نطق بوده باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۳). وسیله تبیین و روشن کردن چیزی را نیز بیان نامیده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

۲-۲-۲. تبیین در قرآن

تبیین از ریشه «بین» در قرآن، در صیغه‌های مختلف فراوان به کار رفته است؛ گاه در قالب فعل و گاه در صورت اسم فاعل یا اسم مفعول و یا صفت مشبّهه. اشکال مختلف این واژه در بیش از سی آیه، از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است (مکارم شیرازی،

۱۳۸۶: ۲۱۳). خداوند متعال قرآن کریم را «تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ^۱؛ روشنگر هر چیزی» معرفی می‌نماید و نزول آیات روشن الهی را به جهت هدایت انسان‌ها و خروج آن‌ها از جهالت‌ها بیان می‌نماید: «هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ^۲؛ او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور برد.» در سوره مبارکه نحل، خداوند متعال تبیین را از وظایف ضروری و تکالیف اصلی پیامبر گرامی اسلام بیان می‌نماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^۳؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به‌سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن‌سازی تا شاید اندیشه کنند.» از جمله مسائلی که پیامبر گرامی اسلام باید آن‌ها را برای مردم تبیین می‌نمودند اموری است که از جانب اهل کتاب مخفی نگه‌داشته شده بودند «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يَبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ^۴؛ ای اهل کتاب پیامبر ما، بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد.» در آیه‌ای دیگر خداوند متعال، تبیین را وظیفه دانشمندان و علما می‌داند و از آن‌ها می‌خواهد حقایق را کتمان نکنند: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ^۵؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب به آن‌ها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید.» در این آیه تبیین در مقابل کتمان بیان می‌شود. «کتمان» در لغت مقابل آشکار کردن است که عبارت است از پنهان ساختن آنچه در باطن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۴). در این آیه جمله «لَتُبَيِّنُنَّهُ» با اینکه با لام قسم و نون تأکید ثقیله همراه است و نهایت تأکید را می‌رساند، باز با جمله «وَلَا تَكْتُمُونَهُ» بدرقه شده است که آن هم دستور به عدم کتمان می‌دهد. از مجموع این تعبیرات برمی‌آید که خداوند به‌وسیله پیامبران پیشین، مؤکدترین پیمان را از دانشمندان اهل کتاب برای بیان حقایق گرفته بوده است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۰۶). در این آیه «لَتُبَيِّنُنَّهُ»، مؤکد با لام و نون و آهنگ حرکت و حروف، تبیین حتمی و استمراری را می‌رساند و «أَخَذَ اللَّهُ»، نشان می‌دهد که مخاطبین

۱. نحل، ۸۹.

۲. حدید، ۹.

۳. نحل، ۴۴.

۴. مائده، ۱۵.

۵. آل عمران، ۱۸۷.

همچون گذشتگان مشمول این عهد و میثاقتند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۴۵). اهمیت این موضوع به این دلیل است که از دیر زمان کتمان حق باعث حق‌کشی‌های فراوان در جوامع انسانی گردیده و اثرات مرگبار آن تا امروز هم ادامه دارد، کتمان حق مسلماً منحصر به کتمان آیات خدا و نشانه‌های نبوت نیست بلکه اخفای هر چیزی که مردم را می‌تواند به واقعیاتی برساند در مفهوم وسیع این کلمه درج است. حتی گاه سکوت در جایی که باید سخن گفت و افشاگری کرد، مصداق کتمان حق می‌شود و این در موردی است که مردم نیاز شدیدی به درک واقعیاتی دارند و دانشمندان آگاه می‌توانند با بیان حقیقت این نیاز مبرم را برطرف سازند. به تعبیر دیگر، افشا کردن حقایق در مسائل مورد ابتلای مردم، مشروط به سؤال نیست، به‌خصوص این‌که قرآن تنها از مسئله کتمان سخن نمی‌گوید، بلکه بیان و تبیین حقایق را نیز لازم می‌شمرد. این نکته نیز قابل توجه است که گاه سرگرم ساختن خلق خدا به مسائل جزئی و فرعی که سبب شود مسائل اصلی و حیاتی را فراموش کنند نیز نوعی کتمان حق است و اگر فرضاً تعبیر «کتمان حق» شامل آن نشود بدون شک ملاک و فلسفه تحریم کتمان حق در آن وجود دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۴۹-۵۵۱). بر اساس این آیه عدم تبیین حقایق در جامعه بستر کتمان حق و پنهان‌سازی حقیقت را فراهم می‌سازد و علما و دانشمندان در هر عصر و زمانی مسئولیت دارند حقایق را برای مردم آشکار نمایند و ترک‌کنندگان آن بر اساس آیه ۱۵۹ سوره مبارکه بقره مورد لعن الهی قرار می‌گیرند: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ؛ کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز، آن‌ها را لعن می‌کنند.» گرچه روی سخن این آیه با یهودیان است، اما این مطلب هرگز مفهوم آیه را که یک حکم کلی و عمومی درباره کتمان‌کنندگان حق است، محدود نمی‌سازد. کتمان حق منحصر به پنهان کردن آیات خدا و نشانه‌های نبوت نیست و شامل مخفی کردن هر چیزی می‌شود که می‌تواند مردم را به واقعیاتی برساند؛ حتی سکوت نیز، در جایی که باید سخن گفت و افشاگری کرد، مصداق کتمان حق است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۸). تفسیر مجمع‌البیان در ذیل این آیه روایتی به این مضمون از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌نماید: «هرگاه از کسی درباره

علمی که می‌داند چیزی بپرسند و او کتمان کند و جواب نگوید روز قیامت به دهان او لجام آتشین زده خواهد شد» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۷).

۲-۳. جهاد تبیین

بر اساس تعاریفی که از جهاد و تبیین در قرآن ارائه شد، «جهاد تبیین» را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «تلاش و مبارزه برای روشنگری به جهت ترویج حقایق و واقعیت‌ها در برابر سعی دشمنان برای کتمان و تحریف آن‌ها». همان‌طور که در تعریف جهاد بیان شد مهم‌ترین عنصر جهاد تقابل با دشمن است؛ در شرایطی که دشمنان با هدف نابودی نظام اسلامی جنگ هیبریدی شناخت مبنای وسیعی را علیه ملت ایران راه انداخته‌اند و به دنبال آن هستند تا با استفاده از ابزارهای جنگ سخت مانند فشار اقتصادی، تحریم، ترور و به‌کار بردن ابزارها و تاکتیک‌های متعدد جنگ نرم مانند جنگ رسانه‌ای، جنگ روانی و ...، با وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها، موجبات تغییر در بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های مردم در جهت منافع خود و مخالفت با نظام اسلامی و در نتیجه شکست انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی را فراهم نمایند، تلاش برای تبیین حقایق به‌عنوان ابزاری برای مقابله با برنامه‌های دشمنان امری ضروری شده و بر همه کسانی که آگاه به مسائل هستند، امری واجب می‌شود. بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: «در قبال حرکت گمراه‌کننده که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و به دنبال تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دچار ابهام نگه‌داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌هاست، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه و این حرکت دشمن است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵). ایشان تبیین را در شرایط امروز «جهاد عظیم این روزگار» قلمداد کرده و آن را فریضه‌ای قطعی و فوری می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹) و البته تحقق این حرکت را مستلزم الزاماتی بیان می‌کنند که در بخش بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۴. الزامات جهاد تبیین در قرآن

همان‌طور که بیان شد هدف جهاد تبیین، روشن ساختن حقایق و واقعیت‌ها در برابر تلاشی است که دشمنان برای کتمان و تحریف حقایق انجام می‌دهند، لذا با ابزار نادرست و

غیراخلاقی نمی‌توان چنین هدف متعالی را محقق کرد. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: «اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به شدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵). با توجه به اهمیت این مسئله در ادامه به بررسی الزامات جهاد تبیین در قرآن می‌پردازیم.

۲-۴-۱. علم و آگاهی

اولین بایسته از الزامات جهاد تبیین آن است که تبیین، باید بر اساس علم و اطلاعات صحیح و منطق درست باشد. در واقع می‌توان گفت سلاح عرصه جهاد تبیین علم، دانایی، اطلاعات و آگاهی است. قرآن کریم انسان را از انجام عملی که به آن علم ندارد نهی کرده است: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»؛ و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن. در این آیه چون (نهی) مطلق و بدون قید و شرط است معنایش چنین می‌شود: به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن، زیرا همه این‌ها پیروی از غیر علم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۲۶). بر این اساس کسانی که می‌خواهند به عرصه تبیین ورود کنند، اولین قدم آن است که روز به روز بر دانش خود بیفزایند تا بتوانند عالمانه و دقیق مسائل را برای مردم بیان نمایند.

۲-۴-۲. قوی و مستند سخن گفتن

دومین بایسته از الزامات جهاد تبیین، قوی و مستند سخن گفتن است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوئید. قول سدید را به گفتار راست خالی از فساد و خالص از شائبه کذب که ظاهر و باطنش یکی باشد، معنا کرده‌اند (محمدی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۲۹۰). علامه

۱. اسراء، ۳۶

۲. احزاب، ۷۰

طباطبایی در تفسیر المیزان معتقد است «سدید» از ماده «سداد» است که به معنای اصابت رأی و داشتن رشاد می‌باشد، بنابراین، قول سدید، عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۲۳)؛ اما تفسیر نمونه قول «سدید» را از ماده «سد» به معنی «محکم و استوار» و خلل‌ناپذیر و موافق حق و واقع بیان می‌کند و آن را سخنی می‌داند که همچون یک سد محکم جلو امواج فساد و باطل را می‌گیرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۴۴۷). تفسیر نور نیز ضمن پذیرش این معنا معتقد است که قول سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۴۱۰).

۲-۴-۳. منصفانه سخن گفتن

سومین بایسته از الزامات جهاد تبیین رعایت عدالت و انصاف در سخن گفتن است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا؛ هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید.» رعایت عدالت و انصاف به این معناست که تبیین باید به دور از افراط و تفریط باشد یعنی در بیان حقایق نه مبالغه صورت گیرد تا جایی که مشکلات و نقاط ضعف موجود در جامعه نادیده گرفته شود و نه سیاه‌نمایی شود به این معنا که نقاط قوت مورد بی‌توجهی قرار گیرد و نقاط ضعف بزرگنمایی شود، بلکه باید حقایق برای مردم بیان شود و نقاط قوت و ضعف توأمان مورد توجه قرار گیرد.

۲-۴-۴. تناسب با زبان مخاطب (مخاطب‌شناسی)

چهارمین بایسته از الزامات جهاد تبیین تناسب مطالب با سطح فهم و درک مخاطب است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ^۱؛ ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آن‌ها آشکار سازد.» براساس مفاد این آیه، پیامبرانی را که خداوند برای هدایت مردم فرستاده، برای اینکه پیام‌های الهی را برسانند با زبان مردم و مطابق با سطح فکر مردم سخن می‌گفتند و هیچ‌گونه پیچیدگی در سخنان آنان نبوده

۱. انعام، ۱۵۲.

۲. ابراهیم، ۴.

است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۵۸۴). در واقع مراد از «لسان قوم» در این آیه، تنها لغت و زبان مردم نیست، زیرا گاهی ممکن است گوینده‌ای با زبان مردم سخن بگوید ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم گفتن است، به گونه‌ای که مردم پیام الهی را بفهمند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۸۵). در روایتی از پیامبر گرامی اسلامی نیز این مضمون مورد تأکید است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۶۸) «ما، جماعت پیامبران، فرمان داریم که با مردم به فراخور فهم و خرده‌هایشان سخن بگوییم». این مسئله اهمیت مخاطب‌شناسی در جهاد تبیین را برجسته می‌نماید. مخاطبان سلیقه‌های متفاوت، گرایش‌های مختلف، تفاوت‌های فردی، ذهنیت‌ها و ظرفیت‌های مختلفی دارند و شناخت مخاطب کمک می‌کند تا بتوان براساس سطح معرفتی، نیازها، علایق و خواست‌های آن‌ها به تبیین مسائل پرداخت.

۲-۴-۵. گفتار نرم و ملاطفت‌آمیز

پنجمین بایسته از الزامات جهاد تبیین گفتار ملاطفت‌آمیز و همراه با محبت است؛ قرآن کریم می‌فرماید: «فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا^۱؛ با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آن‌ها سخن بگو». «میسور» از ماده «یسر» به معنی راحت و آسان است و در اینجا مفهوم وسیعی دارد که هرگونه سخن نیک و برخورد توأم با احترام و محبت را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۸۹). در آیات دیگری از قرآن کریم نیز با عبارت‌های دیگر خداوند متعال بر گفتار نرم تأکید نموده است از جمله: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا^۲؛ و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید» امام حسن عسکری^(ع) درباره این آیه می‌فرماید: «برای همه مردم چه مؤمن آن‌ها و چه مخالف آن‌ها درباره مؤمنان گشاده‌رویی کند و با مخالفان با مدارا سخن بگوید تا آن‌ها را جذب کند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۶۱). همچنین در آیه ۴۴ سوره مبارکه طه می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا^۳؛ به نرمی با او سخن بگویید» در این آیه به موسی^(ع) و هارون امر شده است که با فرعون به نرمی سخن بگویند، این نشان‌دهنده آن است که در دعوت به حق باید اصول و شیوه‌های درستی انتخاب شود و از همان آغاز با خشونت و سخت‌گیری شروع نشود که طرف مقابل فرار کند و به سخن حق گوش ندهد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۵۷۰). نرمی و ملایمت در گفتار دو جنبه

۱. اسراء، ۲۸

۲. بقره، ۸۳

دارد: نخست جنبه عمقی، روحی و روانی که در کیفیت معنوی گفتار و انتخاب جمله‌ها و طرز مواجه‌شدن با شنونده تأثیر می‌گذارد. دوم جنبه شکلی و ظاهری گفتار که در تَن صدا و کوتاهی یا بلندی سخن تأثیر می‌گذارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۳۲۶).

۲-۴-۶. فروتنی و ادب در گفتار و برخورد

ششمین بایسته از الزامات جهاد تبیین فروتنی و ادب در گفتار و در برخورد است. قرآن کریم می‌فرماید «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو.» منظور از قول کریم در این آیه، همان سخن مؤدبانه است. تواضع و ادب، در همه‌جا، در رفتار و گفتار، مطلوب است. ادب و تواضع در گفتار، دل‌ها را به هم نزدیک و گوینده را از غرور و خودخواهی و تکبر، دور می‌سازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۳۲۸).

۲-۴-۷. برخورد شایسته و گفت‌وگوی عقلانی

هفتمین بایسته از الزامات جهاد تبیین برخورد شایسته و گفت‌وگوی عقلانی با مخاطبین است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ با آنان به‌طور شایسته سخن بگویید.» در تفاسیر معانی مختلفی برای قول معروف بیان شده است از جمله در تفسیر نمونه «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ» به معنای گفتار نیک و شایسته، هرگونه سخن نیک، دل‌داری و دلجویی و راهنمایی را شامل می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۲۱) و هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۲۸۹). در تفسیر المیزان علامه طباطبایی معتقد است «قول معروف» آن سخنی است که مردم بر حسب عادت آن را غیر معمولی ندانند که البته به اختلاف عادات مردم مختلف می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۹۶). البته در اینجا قول به معنای لغوی‌اش یعنی سخن گفتن به تنهایی نیست، بلکه به معنای کنایی‌اش یعنی مطلق معاشرت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۴). در تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، قول معروف گفتاری است که عقل و عرف انکار آن نکند (سلطان‌علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۲۱). در مجمع‌البیان، سخن پسندیده یعنی سخن نیکویی که عاری از تهمت و دور از ربه و موافق با دین و اسلام باشد (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۰: ۱۰۷). آیت‌الله طالقانی در

^۱. نسا، ۸

تفسیر پرتویی از قرآن معتقد است: «قول معروف، گفتاری است که عقل و عرف آن را به‌خوبی دریابد و بپسندد» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۳۱). بر این اساس در یک جمع‌بندی می‌توان گفت قول معروف سخن و عملی است که عقل و شرع آن را بپسندد و انسان بتواند آن را آشکارا انجام دهد این مسئله یکی از مزایای اخلاقی، تربیتی و برخورد صحیح در روابط اجتماعی انسان‌هاست که بارها در آیات قرآنی به آن امر شده است.

۲-۴-۸. بلاغت در گفتار

هشتمین بایسته از الزامات جهاد تبیین، بلاغت در گفتار است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا؛ به گفتار دلنشین و مؤثر با ایشان سخن بگو». در تفسیر اثنی‌عشری قول بلیغ سخنی رسنده و اثرکننده در قلوب بیان شده است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۸۸). علامه طباطبایی قول بلیغ را به این معنا می‌داند که سخنی بگویی که دل‌هایشان آن را درک کند و بفهمند چه می‌گویی و به عبارتی با زبان دل آنان حرف بزنی تا متوجه شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۴۴). در تفسیر مجمع‌البیان این آیه را به معنای تشویق پیامبر اکرم (ص) به بلاغت در گفتار می‌داند و بیان می‌کند بلاغت یکی از اقسام حکمت است و معنی را به نحوی شایسته به دیگران می‌رساند (طبرسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۱۱). در واقع بلاغت ناظر به کیفیت معنا و محتوی کلام است یعنی سخن یا نوشته تبیینی باید رسا و دلنشین باشد تا بتواند در نفوس مخاطبین نفوذ نموده و بنشیند.

۲-۴-۹. تنوع بیانی

نهمین بایسته از الزامات جهاد تبیین، تنوع بیانی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ بدین‌سان آیات را در شکل‌های گوناگون بیان می‌کنیم و گویند: تو (نزد کسی) درس خوانده‌ای (بگذار بگویند، ولی ما) برای کسانی بیان می‌کنیم که اهل فهم و علم باشند.» «نُصَرِّفُ» از ماده «تصریف» به معنی «تغییر» است و در اینجا منظور بیان استدلالات گوناگون و در اشکال مختلف می‌باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵).

۱. نساء، ۶۴

۲. انعام، ۱۰۵

۲۴۳). در تفسیر مجمع‌البیان تصریف آیات به معنای بیان مقصود در معانی پی در پی برای کامل شدن فایده تعریف شده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۱۶). قرآن کریم از انواع طرق و فنون مختلف کلام برای آگاه ساختن و بیدار کردن گروه‌های مختلف مردم با سطوح متفاوت فکری و اجتماعی بهره برده است؛ گاهی در لباس استدلال منطقی، گاهی فطری، زمانی در شکل تهدید، گاهی تشویق و ... این شیوه در بیان و استدلال، افراد را آگاه‌تر و پذیرش حق را آسان‌تر می‌کند. در جهاد تبیین نیز تکرار واقعیت‌ها با به‌کار بردن روش‌های گوناگون بحث و استدلال و نیز استفاده از ابزارهای مختلف کمک می‌نماید تا تأثیر بیشتری بر مخاطبین ایجاد شود.

۲-۴-۱۰. تناسب روش تبیین با نوع مخاطب (شیوه‌های تبیین)

دهمین بایسته از الزامات جهاد تبیین، تناسب روش تبیین با نوع مخاطب است. قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.» بر اساس این آیه انسان‌ها یکسان نمی‌اندیشند، بلکه بعضی از استعداد بالایی برخوردارند و بعضی دارای استعداد متوسط‌اند. از این‌رو، باید به میزان فهم و رشد عقلی آن‌ها با آنان سخن گفت (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۰). خدای متعال ابتدا به رسول گرامی اسلام^(ص) سفارش می‌کند که با دلیل محکم سخن بگو تا مردم نتوانند به‌آسانی سخن تو را انکار کنند؛ اما این روش، به‌تنهایی برای تربیت مردم کافی نیست؛ زیرا اولاً، همه مردم قدرت تشخیص دلیل صحیح و ناصحیح را ندارند و ثانیاً، ممکن است ذهنشان حقیقت را درک کند، اما دل آن‌ها پذیرای آن نباشد؛ بنابراین، باید کاری کرد که انگیزه‌های مردم برای پذیرفتن حق تحریک شود. این مهم به‌وسیله موعظه تأمین می‌شود. موعظه، احساسات و عواطف را تحریک و در شخص، انگیزه ایجاد می‌کند تا به آنچه می‌داند عمل کند، یا در صدد فهم حقیقت برآید. سروکار موعظه با دل است و سروکار استدلال، با ذهن و عقل؛ اما با موعظه نیز کار تمام نمی‌شود. ممکن است در مقابل دلایل محکم، شبهاتی مطرح شود که پذیرش دلیل را سخت کند. برای مبارزه با این مشکل، باید شبهه را مطرح کرد و به‌گونه‌ای به آن پاسخ داد که

^۱. نحل، ۱۲۵.

مخاطب قانع شود. نام این روش، جدال است. جدال آحسن یعنی پاسخ دادن به شبهات، به گونه‌ای که مخاطبان قانع شوند. ممکن است پاسخی که داده می‌شود برهانی نباشد، اما برای مخاطب قانع‌کننده باشد. این سه روش، راه‌هایی است که می‌توان با استفاده از آن‌ها بینش صحیح را به مردم منتقل کرد و دست‌کم حجت را بر ایشان تمام نمود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۳۰۸).

نتیجه‌گیری

امروز انقلاب اسلامی ملت ایران با صحنه جدیدی از جنگ توسط دشمنان خود مواجه است، جنگ ترکیبی شناخت مبنای که در آن بیشترین تلاش آنان در کنار اقدامات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و ...، تحرکات تبلیغاتی، روانی و رسانه‌ای با هدف ایجاد اختلال شناختی به منظور دست‌کاری در دستگاه محاسباتی ملت ایران و مسئولین نظام جمهوری اسلامی است. در این فضا دشمن به دنبال آن است بر افکار عمومی مردم مسلط شود و وقتی افکار عمومی یک ملت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملت هم طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت. در این جنگ شناختی دشمن از ابزارهای رسانه‌ای برای روایت‌سازی جهت غلبه بر افکار عمومی استفاده می‌نماید و برای تقابل با آن اولین و مهم‌ترین کار ارائه به هنگام روایت صحیح با زبان استدلالی ساده، منطقی، مستحکم و قابل فهم برای عموم با بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، صدا و سیما، اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. امروز در مقابل غول رسانه‌ای نظام سلطه در جنگ روایت‌ها اصلی‌ترین حرکت این است که نیروهای معتقد به نظام اسلامی یک جهاد عظیم تبیینی انجام دهند. بر اساس آموزه‌های قرآن، «جهاد» و «تبیین» از وظایف ضروری و تکالیف اصلی پیامبران و مؤمنان است. جهاد به معنای تلاش و مبارزه در مقابل دشمن و در راه خداست که یکی از فروع دین و واجبات الهی می‌باشد. تبیین نیز به معنای روشن‌گری است که در همه حال باید صورت گیرد؛ زیرا حتی اگر حق به شکل روشن بیان شده باشد، باز هم تکرار آن در قالب‌های گوناگون می‌تواند شرایط را به گونه‌ای رقم زند که اگر متشابهاتی هست، به محکومات تبدیل شود و شرایط سوءاستفاده برای بیمار دلان منافق و کافران و مشرکان معاند فراهم نشود. در شرایطی که دشمنان با به‌کارگیری روش‌های مختلف به دنبال کتمان و یا تغییر

و تحریف حقایق باشند، تبیین به عنوان تلاشی برای خشی کردن طرح و نقشه دشمنان تبدیل به امری جهادی و واجب الهی می‌شود و این چنین «جهاد تبیین» معنا پیدا می‌نماید. امیرالمؤمنین علی^(ع) در نامه ۴۷ نهج البلاغه در وصیتی به حسنین^(ع) می‌فرماید: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَآلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ خدا را خدا را درباره جهاد با اموال و جان و زبانتان در راه خدا.» جهاد با زبان، همان جهاد تبیین است. این جهاد با توجه به آنکه به وسیله بیان و زبان انجام می‌گیرد، همراه با الزاماتی است که در گفت‌وگو و دعوت الهی باید وجود داشته باشد. اگر چنین جهاد عظیمی صورت گیرد، این نقشه دشمنان نیز همچون سایر طراحی‌های آنان با شکست مواجه خواهد شد و انقلاب اسلامی با قدرت و قوت بیشتری به سمت قله‌های پیش‌رو و رسیدن به آرمان‌های بزرگ ملت انقلابی ایران حرکت خواهد کرد.



فهرست منابع

- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- اسماعیلی، علی محمد (۱۳۹۱)، جنگ نرم در همین نزدیکی، تهران، نشر ساقی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۰)، جهاد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات دائرةالمعارف.
- تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵)، تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی، جلد ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، دین‌شناسی، قم، اسراء.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، دو امام مجاهد، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، انسان ۲۵۰ ساله، حلقه سوم، تهران: صهبا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، تهران، روزنه.
- راجی، محمدهادی، ؛ افتخاری، اصغر (۱۳۹۸)، جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)، سیاست دفاعی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۹، صص ۷۵-۱۱۱.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۸۳)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن جلد ۱، مترجم، غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، جلد ۲، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲)، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباد، تهران، سر الاسرار.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتویی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷، تهران، ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، تهران، فراهانی.
- قرآن کریم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۱، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، الإسلامیه.
- محمدی گلپایگانی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، جرعه‌ای از زلال قرآن، جلد ۵، قم، بوستان کتاب.
- مروجی طبسی، حمید (۱۳۹۹)، بررسی رابطه جهاد کبیر و قدرت نرم، دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان، صص ۳۸۷-۳۵۵.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، پیام مولا از بستر شهادت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب)، اخلاق در قرآن جلد ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، بزرگ‌ترین فریضه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ج)، رساترین دادخواهی و روشنگری جلد اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، جنگ و جهاد در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱۰، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، آزادی معنوی، تهران، انتشارات صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نهج البلاغه.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل جلد ۱۲، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- Backes, A, & Swab, A. (2019). Cognitive warfare: The Russian threat to election integrity in the Baltic states. Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School. <https://www.belfercenter.org/sites/default/files/2019-11/CognitiveWarfare.pdf>.
- Bernal A, Carter C, Singh I, Cao K, Madreperla O. (2020), Cognitive Warfare: An Attack on Truth and Thought, <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-03/Cognitive%20Warfare.pdf>.
- Bjørgul, L.K. (2021), Cognitive warfare and the use of force, stratagem, 03.NOV, <https://www.stratagem.no/cognitive-warfare-and-the-use-of-force/>
- Hung, T.C, Hung T-W. (2022), How China's Cognitive Warfare Works: A Frontline Perspective of Taiwan's Anti-Disinformation Wars, Journal of Global Security Studies, Volume 7, Issue 4, December, ogac016, <https://doi.org/10.1093/jogss/ogac016>.
- Maan, A. (2018), Narrative Warfare, CreateSpace Independent Publishing Platform.
- McGuffin, C, & Mitchell, P. (2014). On domains: Cyber and the practice of warfare. International Journal, 69(3), 394-412. <https://doi.org/10.1177/0020702014540618>.
- Miller, S. (2023), Cognitive warfare: an ethical analysis. Ethics Inf Technol 25, 46, <https://doi.org/10.1007/s10676-023-09717-7>.
- Ottewell, P. (2020). Defining the Cognitive Domain, OTH. <https://overthehorizonmdos.wpcomstaging.com/2020/12/07/defining-the-cognitive-domain/?ref=stratagem.no>.
- Rădulescu, B.G. (2023), How should intelligence analysis be utilized to counter cognitive warfare, Intelligence Info, 2:4, 12-25, <https://www.intelligenceinfo.org/how-should-intelligence-analysis-be-utilized-to-counter-cognitive-warfare/>
- Rickli, J.M, Mantellassi, F, lasser,G. (2023), Peace of Mind: Cognitive Warfare and the Governance of Subversion in the 21st Century, GCSP Policy Brief No.9, <https://www.gcsp.ch/publications/peace-mind-cognitive-warfare-and-governance-subversion-21st-century>